

بيانات حضرت آیت الله شاهروodi

رئيس محترم قوه قضائيه

در جمع کارآموزان، کارکنان و

مدیران معاونت آموزش قوه قضائيه

در تاریخ ۱۳۸۲/۴/۳



الحمد لله رب العالمين و الصلاه و السلام على  
سيدنا و نبينا محمد المصطفى (صلى الله عليه و آله و سلم)  
و على آله الاطهار

یاد و خاطره شهداي عزيز هفتم تیر  
و شهداي قوه قضائيه مخصوصا شهيد مظلوم  
دکتر بهشتی را گرامی می دارم و به همه  
ملت عزيز، خانواده های اين شهداي بزرگوار

و عزیزان دستگاه قضایی تبریک و تسلیت  
عرض می نمایم.

فعالیت هایی که در معاونت آموزش  
قوه قضائیه، صورت گرفته بسیار موفق،  
علمی و صحیح بوده است، لذا از مسئول  
محترم این معاونت و همکاران ایشان و همه  
مدیریت ها و قسمت ها و زیرمجموعه های  
این معاونت که همگی بار این رسالت علمی  
و آموزشی را به دوش می کشند تشکر می  
کنم.

امروز در این جلسه مبارک، که در حضور  
همکاران معاونت آموزش هستیم، نکته هایی  
را در خصوص بایسته های آموزش در  
دستگاه قضایی طرح می کنم.

ضرورت معرفی فعالیت های معاونت آموزش  
بسیار مناسب است که معاونت آموزش  
زحمات و تلاش های بسیار ارزنده خود را  
به گوش دیگران برساند و نوعی اطلاع  
رسانی کند، چون امروز بسیاری از اقدامات  
انجام شده در دستگاه قضایی برای افکار  
عمومی و رسانه های اطلاع رسانی مجهول  
است و افکار عمومی و دستگاه های  
حکومتی، فرهنگی و دانشگاه ها اطلاع دقیقی  
از آنچه انجام گرفته ندارند و تأسف بارتر  
این که براثر چالش ها و مشکلاتی که  
دشمنان نظام و انقلاب و برخی از جریانهای  
معاند و یا ناگاهه داخلی، ایجاد  
کرده اند، درست عکس آن چه که هست

تبلیغ شده است و دستگاه قضایی چه در خارج و چه در داخل کشور به عنوان دستگاهی که فقط کارش گرفتن و بستن و خشونت و زندان و بازداشت و شکنجه و امثال اینهاست معرفی شده و دائماً تهمت سلب آزادی و پایمال شدن حقوق بشر و سلب حقوق شهروندی و ایجاد ممنوعیت های مشروع را می زند.

این فقط استنباط بنده از اوضاع و فضاهای موجود تبلیغاتی و رسانه ای دنیا و خارج از کشور نیست بلکه کسانی که از دستگاه قضایی در همین دو سال اخیر به خارج رفته اند، می گویند که حقایق قضایی مطلوب، معکوس تبلیغ شده است. با روشن

گری هیئت های قضایی ما که به کنوانسیون های مختلف و سمینارها و نشست های حقوقی و قضایی گوناگون رفته اند، برخی مسائل برای حقوق دانان منصف، روشن شده است. اینان هنگامی که سیستم و نظام قضایی و آیین دادرسی و قوانین و تشکیلات و طبقه بندهی محاکم و سیر رسیدگی و رویه های قضایی را از هیئت های ما شنیده اند تعجب نموده و اقرار کرده اند که این یکی از بهترین الگوهای و نظام های قضایی دنیاست و آنچه تاکنون تبلیغ می شده و در ذهن ما بوده عکس این است. این تغییر مواضعی هم که اخیراً در این قبیل مجامع و محافل بین المللی یا اروپایی

یا حقوق بین الملل و حقوق بشر و امثال اینها  
نسبت به ایران، حاصل شده مقدار زیادش  
درازتر همین دیدارها و توضیح هاست. در  
نامه هایی هم که وزارت خارجه و سفارای ما  
در کشورهای اروپایی و در آن مجتمع به  
معاونت بین الملل قوه قضائیه نوشته اند  
حاکی از این تأییدهاست.

اما با کمال تأسف، دشمنان داخلی و  
خارجی ما آن چنان درباره دستگاه قضائی  
جمهوری اسلامی و نظام قضائی در اسلام،  
تبليغات زهرآگین کرده اند که همه چیز را  
برعکس جلوه داده اند. آنها حتی محاکمه  
های معمولی و برخوردهای قضائی روزمره  
را

که نظام اسلامی برای حفظ کیان خود و  
حراست از اموال و عرض و آبرو و ناموس  
آنها می کند قبول ندارند و علیه آن تبلیغ می  
کنند و آنها را رویه هایی برخلاف حقوق  
بشر و آزادی می دانند!

روشن است که این همه هجوم و هیاهو و  
تهمت و دروغ برای چیست، چون قوه  
قضائیه مطابق قانون اساسی ، متنسب به  
رهبری نظام است و افرادش مستقیما از طرف  
ایشان منصوب می شوند و اگر توانستند آن  
را تخریب کنند و از کارآیی بیندازند در واقع  
به پایه اساسی نظام و زیربنای آن ، لطمہ زده  
اند.

پس با این همه حساسیت و آن همه  
عنادورزی دشمن، لازم است که مابا شیوه  
های نیکو به بهترین بیان و قلم و با استفاده از  
تربیتون های حساس، شیوه کاری،  
عملکردهای قانونی و سیستم پیشرفته حقوق  
اسلامی را معرفی کنیم.

تبليغات مثبت ما از جنبه های مختلفی  
ثمربخش است، چون اولا: تبليغات دروغین  
آنها را خنثی می کند که واقع قضيه چيست.  
اگر اين روشن گري ها مستند به آمار و  
بر اساس واقعيت ها و با روش نیکو و  
پسندideh گفته شود، بازار آنها را از گرمی می  
اندازد.

ثانیا: ارزش خدمات مدیریت های مختلف و زیرمجموعه های دستگاه قضائی را نشان می دهد. کمترین نتیجه این تبلیغات آن است که مردم می فهمند که خدمت گزاران دستگاه قضائی چه می کنند.

اگر معاونت آموزش، گزارش مبسوطی از فعالیت ها را به سبک علمی و مستند به آمار و ارقام تهیه کند و آن را به شیوه مطلوب در مطبوعات منعکس کند و یا در دانشگاه به اطلاع فرهیختگان و اهل فن دانشگاهی برساند و یا از طریق وزیر محترم دادگستری در هیئت دولت مطرح نماید و یا در مجلس به اطلاع نمایندگان محترم و کمیسیون های مربوطه برساند، بسیار مفید است.

وقتی که انسان برنامه آموزشی و علمی  
دست اندکاران معاونت آموزش،  
درخصوص گزینش ضابطه مند قضات،  
دورهای و درس‌های متعدد علمی و تخصصی  
و کارآموزی‌های علمی و مسائلی از این  
قبیل را می‌شنود و با چشم خود می‌بیند و از  
سوی دیگر تبلیغات دروغ مغرضان و  
ناآگاهان را گوش می‌کند که دستگاه قضائی  
رابطه‌ای است و آموزش ندارند، بسیار  
متأسف می‌شود.

پس بگویید، بنویسید و تبلیغ کنید و  
کارهای ارزنده خود را به گوش همگان  
برسانید. نگویید که تأثیر ندارد، چرا، حتماً  
دارد، چون نمونه‌هایی که ما دیدیم بسیار

تأثیر داشته است، مثل سفر هیئت های قضائی  
از طرف معاونت بین الملل قوه قضائیه و  
گفت و گوهای آنها با صاحب نظران و یا  
مسئله احیای دادسراه، تشکیل شوراهای حل  
اختلاف، یا شعب تشخیص، از مواردی است  
که در ذهن اهل انصاف و حقیقت، تأثیر  
مثبت داشته است.

بررسی مشکلات بودجه ای معاونت آموزش  
یکی از نکات قابل توجه در سیستم  
قضائی اسلام، رسیدگی به امور مالی و وضع  
مادی قضاط و کادر قضایی است. در این  
جلسه، نکته های به حقی در خصوص  
مشکلات مالی برای تدارک و تأمین اساتید و

کارآموزان مطرح شد که باید به آنها رسیدگی شود، لذا تقاضای بنده این است که معاونت محترم آموزش در کمیسیون های مربوط به بودجه، مسائل و مشکلات بودجه خود را مطرح کنند تا ان شاء الله برای آنها چاره ای اندیشیده شود.

چون سر و کار شما با قاضی و آماده کردن آنها برای امر قضاوت است، باید این قاضی، تأمین باشد و در امور مالی دغدغه ای نداشته باشد. هرچه قاضی در امور مالی آسوده خاطر و دارای دانش قضایی بیشتر، تعهد قضایی بالاتر، تدبیر و دوراندیشی و مدیریت قضایی موفق تر و کارآمدتری باشد این دستگاه قهراً در تحقق مقاصد و اهداف و

نیز وظایف ذاتی خود که اجرای عدالت و احراق حقوق و تحقق و ایجاد امنیت است موفق تر خواهد بود. این حساسیت در تمام نظامهای قضایی دنیا دیده می شود، بهطوری که هم شرایط قاضی را خیلی بالا می برند و هم جایگاه بسیار ممتازی برای او درنظر می گیرند و از هر جهت، امتیازهای ویژه ای برای او قرار می دهند که برای پستهای دیگر نیست. آنها نه تنها استقلال قاضی را در مسئله صدور حکم، مدنظر دارند، بلکه از جنبه های مالی و تأمین مادی و تخصیص بودجه هم برای او استقلال قائل هستند. در فقه ما هم به این مسئله با دید ویژهای نگریسته شده و آداب و دستورهای

بسیار غنی در این خصوص آمده است، اما متأسفانه در کشور ما و در نظام بودجه، این نکته ها در نظر گرفته نمی شود؛ به طوری که هنوز بودجه دستگاه قضایی همانند یک وزارت خانه تنظیم می شود. در هیچ کجای دنیای مدرن برای دستگاه قضایی این گونه بودجه نویسی نمی کنند. این کار، نه متناسب با شأن دستگاه قضایی است و نه مطابق با استقلال قضی.

پس اگر به استقلال مالی و تأمین مادی قضی توجه نشود، بیم آن می رود که قضاوت از مسیر عدالت خارج شود و قضی - خدای ناکرده - از این سو و آن سو، تأثیر بپذیرد.

ما اگر شعار می دهیم که دستگاه قضایی  
قلب تپنده نظام است، باید از هر نظر در  
تقویت این قلب بکوشیم تا به طور پویا و  
زنده به فعالیت خود ادامه دهد.

### ارتقای سطح دانش قضایی و آموزش مدیریت پرونده

منظور من از ارتقای سطح دانش قضایی،  
تکرار همان دانستنی های قبلی کارآموزان و  
مسائل تئوری و نظری قضایی نیست، بلکه توجه  
به تجربه های عملی و مشکلات عینی و  
واقعی است که در مسیر رسیدگی به  
پروندها به وجود آمده و می آید؛ به عبارت  
دیگر، قاضی باید دانش همه جانبی و دید  
جامع نگر داشته باشد؛ یعنی علاوه بر آشنایی

با دیدگاه ها و سیاست های نظام قضایی،  
شناخت اولویت ها و جهت گیریهای آن،  
سیستم قضایی اسلام را هم بداند؛ مثلاً آگاه  
بشد که نظام قضایی اسلام، بسیاری از  
مجازات ها را حق خاص شناخته نه حق  
عام، فلسفه آن هم این است که تا آن جا که  
ممکن است مسائل با صلح و سازش حل  
شود. این نکته عمیق که اخیراً مطرح شده و  
یکی از تحولات دستگاه قضایی خواهد بود،  
متاسفانه مورد توجه دقیق قرار نگرفته است،  
در فقه اسلام چنین نیست که هر چیزی را  
قضائی کنند، بر عکس، کیفرهای زیادی در  
جرائم عمدی، حق خاص شده تا بتوان از راه  
صلح و سازش و عفو و گذشت و مصالحه

آن ها را حل کرد. همه تلاش پیامبر گرامی اسلام (ص) در هنگام قضاوت این بود که طرفین را به صلح و سازش راضی کنند. قاضی اگر این نکته را درک نکند، مشکلات، فراوان می شود. او نباید به محضی که پرونده قتل یا پرونده حقوقی و کیفری - که حق خاص است - را می آورند سریع حکم دهد. پس آموزش دادن این سیاست ها خیلی مهم است فقط آموزش متون و قوانین کافی نیست، چون این نوع درس ها را در دانشگاه ها یا جاهای دیگر خوانده اند، آموزش کارآموزان واقعا می بایست به سوی این گونه مسائل برود و تکرار آنچه را که خوانده اند برای خودشان هم دردرس می آورد.

اساتید باید این سیاست‌ها را استخراج کنند و به سبک تطبیقی و عملیاتی آموزش بدهند، چون آنچه که مهم است کار تطبیقی و تلفیقی تئوری با عمل است؛ همان تئوری را که می‌خواهند بگویند، در خلال یک پرونده و در ضمن یک مرافعه و با نشان دادن نمونه گفته شود تا اشخاصی که می‌خواهند در آینده قاضی بشوند، شیوه ورود و خروج در این پرونده را بدانند، زیرا تطبیق محفوظات کلی بر موارد عملی و دیدگاه‌ها و سیاست‌ها مهم است و باید در درسی مثلاً به نام «مدیریت پرونده» آموزش داده شود. معاونت آموزش باید مجموعه خطاهای مخصوصاً خطاهایی که دائماً از جانب

قضات مختلف تکرار شده - هم چنین راه هایی را که از طریق آنها اصحاب دعوی می توانند قاضی را به اشتباه بیندازند و او را از مسیر حق، جدا کنند، یا نقض هایی که در دیوان عالی صورت گرفته، همه را در یک مجموعه گردآوری کند و یا در ضمن درس ها و در موقع لزوم به کارآموزان آموزش دهد، این کار بسیار خوب است و می تواند آنها را در کار قضا و مدیریت پرونده، توانا کند. خواندن تکراری آیند دادرسی و یا مجازات های اسلامی، یا مطالبی را که در خصوص حدود یا قصاص در کتاب های فقهی آمده، تسلط آور نیست.

اگر ما به روش تطبیقی عمل کردیم و  
چگونگی مدیریت پرونده و ریزه کاری های  
آن را آموزش دادیم آنگاه جاذبه همه این  
درس ها و دوره ها بیشتر خواهد شد و خود  
کارآموزان پیشنهاد اضافه کردن دوره را  
خواهند داد و کار برایشان ملاکاًور و خسته  
کننده نخواهد بود.

انسان وقتی وارد بطن کار قضاط و  
سیستم قضائی می شود، می بیند که آموزش  
بسیاری از مسائل در آن تئوری ها به هیچ  
وجه منعکس نیست، بلکه در اجرا مشخص  
می شود؛ لذا باید تجربه های دیگران در  
اختیار افراد جدید قرار بگیرد، این کار دو  
فایده دارد: یکی این که قضاط تازه کار،

برخی خطاهاي قضات قبل را مرتکب نمی شوند و دیگر آن که از روش و رویه مثبت آنان استفاده می کنند. این که گاهی می بینیم برای یک پرونده با موضوع واحد، چند حکم متفاوت از طرف قاضی های مختلف در شهرهای کشور صادر می شود، عمدۀ آن به دلیل عدم همترازی دانش قضایی و یا تشویش و یا تناقض و مشخص نبودن ناسخ و منسخ و قوانین مقدم و متاخر و شیوه ورود

به پرونده است. ما باید در کلاس ها و در کارگاه های آموزشی خود، دو پرونده یکسان و با موضوع واحد را که دو نوع حکم درباره آن صادر شده مطرح کنیم و به

وسیله اساتید، روشن نماییم چرا برای یک نوع دعوا، دو نوع حکم صادر شده است. و بدین وسیله از خطاهای آینده جلوگیری کنیم.

بررسی علل اطاله پروندها  
یکی از بایسته های لازم در آموزش،  
بررسی تحقیقی و عالمانه درخصوص علل  
طولانی شدن پرونده هاست. شک نیست  
که برخی از علت ها مربوط به مدیریت کلان  
دستگاه قضائی و کمبود قاضی و زیاد شدن  
پرونده است، اما همه مسئله و علت این  
نیست، بلکه به نظر ما عمدۀ علت به کیفیت  
تنظیم پرونده است، اگر پرونده از اول

درست تنظیم می شد و یا اگر قاضی توجه  
بیشتری می کرد و یا اگر دفتردار و منشی،  
وظیفه خود را به درستی انجام می دادند،  
طولانی نمی شد.

وظیفه قسمت آموزش است که نکته های  
ظریف اداری مرتبط با امر قضاe را که می  
تواند امور را تسريع بخشد، آموزش دهد و  
کارآموزان را با پیچ و خم ها و ظرفات های  
کار آشنا نماید. اطاله امر دادرسی به معنای  
تأخیر در حدود الهی است و حال آنکه ما  
از جانب شارع مقدس، تأکید فراوان داریم  
که: «لأنظره في الحدود». باید دقت کرد  
که هرگونه ضایع کردن وقت مردم و امروز و  
فردا کردن آنها و بسی اعتنایی به وقت و

شخصیت آنان، در روز قیامت، کیفر سختی دارد. حتی یک نقصِ املایی و انشایی یا یک نقص در آیین دادرسی، کار را طولانی می‌کند و وقت‌های فراوانی را هدر می‌دهد. این نکته‌ها باید در دوره کارآموزی آموزش داده شود تا قضاتِ شریف ما با تسلط و دید همه جانبه به امر قضا پردازند.

آموزش ارتقای سطح شخصیت قاضی شخصیت دادن به قاضی اسلامی مسئله مهمی است که حکومت اسلامی باید به آن توجه ویژه‌ای مبذول دارد. ما نباید فقط به ارتقای دانش قضایی و تعیین سیاست‌ها و تدبیرها و شناسایی آفت‌ها اکتفا کنیم، بلکه

باید مهم تر و جدی تر از همه، شخصیت و ارج و منزلت قاضی را پاسداری نماییم. به طوری که قاضی واقعاً احساس کند جایگاه خاص و شخصیت ویژه ای دارد. مقوله معنویت، اخلاق، اخلاق قضایی، تعهد و عدالت همه در همین بخش شخصیت قاضی نهفته است؛ یعنی قاضی باید از ابتدا بیاموزد که قضاوت با بقیه پست ها فرق می کند و یک شأن و مقام مقدس و جایگاه بسیار خطیر و حساسی است و شرایط ویژه ای را از نظر معنوی و اداری می طلبد. تطمیع و توصیه ها نباید بر قاضی تأثیر کند. او باید قدر و قیمت و شأن قضاوتش را بداند و واقف باشد که موقعیتش ارزنده و

عزیز است، پس با همه وجود باید از آن حراست نماید. کشورهای توسعه یافته بر منزلت قاضی، وقوف کامل پیدا کرده اند. لذا کوشیده اند تا آن را از آفت‌ها و آسیب‌های گوناگون حفظ کنند. همکارانی که از دستگاه قضایی به کشورهای اروپایی و غربی رفته‌اند از ارج و منزلتی که آنان برای قاضی و شخصیت او قائل می‌شوند در شگفت شده اند. آنان با این که اصلاً مسلمان نیستند ولی به هیچ رو حاضر نیستند که شأن قضاوت خود را لکه دار کنند.

به نظر بندۀ برای این که بتوانیم مسئله شخصیت قاضی را بیشتر جا بیندازیم و آن را در دستگاه قضائی برجسته تر نماییم باید

چند کار انجام دهیم: یکی این که در آموزش‌های خود به قضات، دائمًا بر اهمیت و بزرگی این مقام و پست، تأکید کنیم و با روش‌های آموزشی گوناگون بر این نکته پافشاری نماییم. دیگر این که قضات ما – که بحمد الله همگی دارای وجود انسانی و شرعی هستند – دائمًا وجود انسانی و شرعی را در نظر بگیرند و بکوشند تا رفتارهای اداری و قضایی شان، با صفتِ اخلاص و خداترسی، ذخیره آخرتشان باشد. سوم این که به تأمین مالی قضات توجه کنیم تا اگر اندک کسانی هم – خدای ناکرده – ضعف‌هایی دارند نلغزند و عوام——ل بیرونی بر روی آنها مؤثر واقع نشود.

در اسلام روش‌ها و ابزارهای مختلفی برای ارتقای سطح شخصیت قاضی در نظر گرفته شده که در عمدۀ روایات ما که مربوط به آداب‌القضای اسلامی است اختصاص به صفات قاضی دارد؛ مثلاً بیشتر روایات کتاب حدیثی و عظیم «وسائل الشیعه» مربوط به شخصیت قاضی است و از احکام و سیستم و نظام کمتر بحث شده است. این همه روایت در این باب، نشان اهمیت موضوع است. در آن جا در خصوص اخلاق قاضی، صفات قاضی، آداب مجلس قضا و مقوله‌هایی از این قبیل بحث شده است.

این کار به برنامه ریزی نیاز دارد که امیدواریم عزیزان در معاونت آموزش بتوانند

به کمک قاضیان پرهیزگار و مسلط،  
ضابطه هایی را وضع کنند و ابزارها و  
روش هایی را پیشنهاد نمایند تا این قله رفیع  
قضاؤت، همیشه سرافراز باشد و قلب دستگاه  
قضایی - یعنی قصاص - دائما پویا و بانشاط  
بپد و با فعالیت مستمر خود، اجزای دیگر را  
هم بانشاط نگه دارد.

در این برنامه ریزی حتما باید آسیب  
شناسی را مدنظر داشت و روزنهمایی را که  
آفت از آن جا وارد شده شناسایی کرد و به  
کمک یک تحقیق آماری و میدانی و منطبق  
با واقعیت، لغزشگاهها را مورد شناسایی قرار  
داد و از سوی دیگر بررسی کرد که چگونه  
بعضی از قصاصات انواع تطمیع، تهدید،

رودربایستی و رفاقت، روبه رو بودند ولی  
ذره ای کوتاه نیامدند و نلغزیدند و به وظیفه  
شرعی و الهی خود عمل کردند. با همین  
روش، الگوهای ایده آل شناخته می شوند و  
سرمشق دیگران می گردند.

کار دیگر، دیدن نمونه ها از کشورهای  
دیگر و درواقع مطالعه طبیقی است، چندی  
پیش هیئتی از قضات ما به انگلستان رفته  
بودند، در آنجا یک قاضی را دیده بودند که  
حاضر نشده بود در مقابل مبلغ سنگینی رشوه،  
تغییر کوچکی در پرونده ایجاد کند. این  
نمونه در روحیه اعضای هیئت ما خیلی مؤثر  
بود. جالب این که رئیس دیوان عالی آن جا  
وقتی شنیده بود ما دادستان انتظامی قضات

داریم پرسیده بود: این نهاد دیگر چیست؟ ما در اینجا چنین چیزی نداریم. مگر قاضی هم خلاف می‌کند که دادستان انتظامی بخواهد؟ خیلی تعجب کرده بود و بعد گفته بود: ما در طول دویست سال فقط یکی از قضاتمان تخلف کرده که آن هم توسط هیأت قضات دیوان – که اختیار برکناری قاضی را دارد – برکنار شده و علت برکناریش هم این است که دائم الخمر بوده و همین عمل سبب شده بود که احکام قضائی اش سست بشود. خیلی مهم است که یک دستگاه قضائی بگوید من در طول دویست سال هیچ قاضی رشوه بگیر و متخلف نداشته ام. آقایان در کمیسیون‌های ویژه این نکته‌ها را مورد

توجه قرار دهند و در کارگاههای آموزشی از آنها استفاده کنند.

لازم است در دوره های آموزشی به کارآموزان گفته شود که نقاط ضربه پذیر کجاست و آسیبها و آفتها از کجا و چگونه وارد می شوند. در این آموزش ها باید قسمت هایی را که قاضی در کار خود با آنها سر و کار دارد مثل دفتر، منشی و امثال آن معرفی شوند و آسیب ها و نقاط حساس آنها گوشزد شود تا او با ذهنی مسلط و آگاه و با یک دید همه جانبه، مراحل کاری خود را بگذراند و قضاوت را بر محور عدالت و متناسب با دستورهای شرع مقدس، پیش ببرد. اگر قاضی با ذهن خالی و بدون آشنایی با

آسیب‌ها و نقاط آفت خیز به قضاوت بنشیند  
ضررهای جبران ناپذیری به دستگاه قضایی و  
نیز کشور وارد می‌کند. اساساً در هر کاری  
تسلط و نگرش همه جانبه، خوب است؛  
خصوصاً در قضاوت که عهده دار احیای  
حق می‌باشد.

نکته مهم در این آسیب‌ها و لغزش‌ها  
این است که بدانیم افرادی که لغزیدند و به  
خطا افتادند و در مقابلِ تطمیع‌ها و تهدیدها  
و رفاقت‌ها بی‌تاب گشتند از اول آدم‌های  
بدی نبودند، بلکه رفته رفته و به تدریج به  
این دام افتادند. علت‌ش هم این است که ذکر  
خدا، قیامت، وجود کاری و اهمیت عدالت  
در ذهن و ضمیر شان کمرنگ شد.

طبیعت کاری ما که همان دیدن و شنیدن  
دعواها و مرافعه های متعدد است، نباید  
و جدان و عقل ما را دچار روزمره گی کند و  
به صورت عادت درآورد و حکم حق در  
نظرمان کم ارزش جلوه نماید.

از خداوند متعال می خواهیم که توفیق  
عنایت فرماید تا ما و همه عزیزان و  
همکاران، به آنچه که رضای اوست عمل  
نماییم و با تمسک به دین خدا و دستورهای  
شرع مقدس و با بهره گیری از عقل و دانش،  
بنیان های نظام قضایی کشور اسلامی خود را  
استحکام بخشیم.

**وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ**